

DOI: 10.30495/jss.2022.1959574.1461

Research Paper

Tendency to Democracy and Its Relationship with Religiosity and Family Type: A Survey among Students of Islamic Azad University of Tabriz

Javad Ali Akbarpour

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mahmood Elmi

Assistant professor, Department of Sociology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author). E-mail: elmim@iaut.ac.ir

Samad Abedeni

Department of Sociology, KHalkhal Branch, Islamic Azad University, KHalkhal, Iran.

The main purpose of this study was to determine the relationship between some social and individual factors related to the tendency of students of the Islamic Azad University of Tabriz to democracy. The type of research was applied, the research method was survey and the data collection tool was a researcher-made questionnaire. The validity and reliability of the measurement tool were determined through the face validity and Cronbach's alpha respectively. The statistical population was Islamic Azad University of Tabriz with 12 faculties and 20100 students. The sample size was determined 377 people using Cochran's formula. The sampling method was random stratified proportional to the size of the population. According to the information obtained, Pearson correlation coefficient between the variables of tendency to democracy and religiosity is 0.65, which indicates a direct and positive relationship. Also, according to the test result, the average of the variable of tendency towards democracy varies according to the type of family. The tendency towards democracy is slightly higher among single students than married students. Based on the findings, the tendency of students of Islamic Azad University of Tabriz to democracy varies according to the job status of students. It is necessary to provide platforms for the creation and expansion of civil organizations and non-governmental organizations for the participation of students in political activities

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Tendency to Democracy, Religiosity, Family Type, Students of Islamic Azad University of Tabriz.*

گرایش به دموکراسی و رابطه آن با دین‌داری و نوع خانواده: پیمایشی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

جواد علی اکبریور^۱

محمود علمی^۲

صمد عابدینی^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۴/۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۴

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه برخی عوامل اجتماعی و فردی مرتبط با میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به دموکراسی بود. نوع پژوهش، کاربردی، روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق اعتبار صوری و پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین شد. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۱۲ دانشکده و دارای ۲۰۱۰۰ هزار دانشجوی بود. حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۷ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه بود. با توجه به اطلاعات به دست آمده، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش به دموکراسی و دین‌داری ۰/۶۵ می‌باشد که نشان دهنده یک رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد. همچنین با توجه به نتیجه آزمون، میانگین متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس نوع خانواده متفاوت است. میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان مجرد اندکی بیش از دانشجویان متأهل است. بر اساس یافته‌ها، میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت شغلی دانشجویان متفاوت می‌باشد. ضرورت دارد بسترهایی برای ایجاد و گسترش سازمان‌های مدنی و مردم نهاد به منظور مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های سیاسی فراهم گردد.

واژگان کلیدی: گرایش به دموکراسی، دین‌داری، نوع خانواده، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول). E-mail: elmim@iaut.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

مقدمه

مقوله دموکراسی قرن‌ها مورد بحث اندیشمندان سیاسی در یونان باستان و روم، و نیز در قرن‌های هجدهم و نوزدهم میلادی و به ویژه در قرن بیستم و بیست و یکم بوده است. از دهه ۱۹۵۰ که به طور عمده نهضت‌های استقلال‌طلبی در آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا برای رهایی از نوع حکومت‌های غیر دموکراتیک و مستبد آغاز گردید، کوشش برای تاسیس نظام‌های دموکراتیک موفقیت‌آمیز نبوده است و بعضاً به دیکتاتوری انجامیده است. گرچه تحقق دموکراسی مستلزم ایجاد شرایط لازم است اما تلاش برای گسترش نظام‌های دموکراتیک، مردم‌سالار، مشارکت‌جو و با ثبات در قرن بیست و یکم با جدیت هم‌چنان ادامه دارد. بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند تجربه دموکراسی در سطح اجتماعی نتایج تاثیرگذار و مهمی بر گرایش به دموکراسی در سطح رسمی و سیاسی دارد. تمرکز تحلیل این نظریه‌پردازان از دولت به سمت جامعه و فرهنگ تغییر یافته است. از نظر آنان گرایش به دموکراسی وابسته به میزان جامعه‌پذیری افراد و فضاهای متفاوتی درون جامعه و حتی خانواده‌هاست (۱۷). همان‌گونه که مانهایم می‌گوید تلاش نظریه‌پردازان از دموکراتیک کردن سیاست به سمت دموکراتیک شدن بستر فرهنگی و اجتماعی آن تغییر جهت یافته است (۲۷). جامعه برای گرایش شهروندان به دموکراسی و تحقق آن، القا و ریشه‌دار کردن پاره‌ای از عقاید اجتماعی به جامعه‌پذیری نیاز دارد. جامعه‌پذیری سیاسی یعنی انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسل دیگر و یا شکل‌گیری ایستارها و هنجارهای سیاسی فرد. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین کار ویژه‌های دولت‌های مدرن در درون یک کشور و تلاش در جهت حفظ و سپس انتقال و گسترش ارزش‌های سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی به نسل‌های بعدی می‌باشد (۲۶)، که به وسیله آن افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه قابل توجهی ادراک‌شان از سیاست و واکنش‌های‌شان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌شود (۲۹). با توجه به اهمیت گرایش به دموکراسی و مشارکت سیاسی در حیات فرد و جامعه، پرداختن به این مقوله ضرورت دارد. در این میان پرداختن به گرایش به دموکراسی جوانان و نوجوانان و مشارکت سیاسی آنان در ایران اهمیتی دوچندان دارد. جامعه ایران جامعه جوان است. این گروه به عنوان یکی از گروه‌های جمعیتی اثرگذار در جوامع در حال توسعه محسوب می‌شوند که نوع رفتار و میزان مشارکت آنان در عرصه سیاست گاه می‌تواند تعیین‌کننده ثبات و نهادمندی یک نظام سیاسی و گاه عامل اصلی تخریب نهاد سیاسی موجود، بی‌ثباتی فراگیر و حتی تحول انقلابی جامعه باشد و در صورت عدم مشارکت، مشروعیت نظام را خدشه‌دار سازد. لذا شناخت عوامل موثر بر گرایش جوانان به دموکراسی و همچنین عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی آنان بسیار مهم و ضروری است. در تاریخ ایران زمینه‌های شکل‌گیری دموکراسی با موانع سختی روبرو بوده است. یکی از دلایل مهم آن نبودن زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی این مسئله است. یکی از چالش‌های اساسی دموکراسی در جوامع چند فرهنگی مربوط به جامعه‌پذیری سیاسی آن از طرف عوامل آن می‌باشد. با این که بیش از یک قرن است اندیشه‌های دموکراسی‌خواهانه به ذهن ایرانیان رسوخ کرده، لیکن تحکیم

دموکراتیک با مشکل روبرو شده است و شاهد بازگشت یا بازتولید عناصری از اقتدارگرایی هستیم. یعنی میان نظام سیاسی ایران، اهداف، تلاش‌ها و کنش‌های سیاسی و تئوری دموکراسی ناسازگاری مشاهده می‌شود(۱). در کشورمان دستیابی به آزادی یکی از خواسته‌های مردم در یک صد سال اخیر بوده است و حرکت‌ها و جنبش‌های چندی را موجب شده است. اما چنین حرکت‌هایی همواره به علت موانع داخلی و خارجی ناکام مانده است. بهترین حرکت‌های آزادی‌خواهانه مردم به این ترتیب قابل ذکرند: جنبش مشروطه در سال ۱۲۸۸، ظهور دولت مصدق در دهه ۱۳۳۰ و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷(۱۰). امروزه جوامع به سمت مردم‌سالاری در حرکت است و حضور قشر آگاه و تحصیلکرده در فعالیت‌های سیاسی یکی از ویژگی‌های جوامع دموکراتیک است. هر چند در ایران فعالیت سیاسی دانشجویان سابقه طولانی ندارد و به دوران بعد از مشروطه بر می‌گردد لیکن امروزه تحت تاثیر جوامع دموکراتیک منش، دموکراسی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مطالبات دانشجویی کشور است. فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها همواره یکی از مهم‌ترین مقوله‌های مطرح به هنگام بحث از ارتباط جامعه و دانشگاه و تاثیر متقابل آن‌ها بوده است. جنبش دانشجویی از دهه ۱۹۶۰ به بعد در کلیه مناطق جهان نقش سرنوشت‌سازی را در تحولات سیاسی- اجتماعی جوامع ایفا نموده است و اغلب به عنوان پیشتاز نیروها و کارگزاران تغییر و تحول تلقی شده است. هابرماس از دانشجویان به عنوان یکی از منابع مهم روشنگری یاد می‌کند. به نظر وی، دانشجویان از آن جا که مستقیماً تحت تاثیر گروه‌های ذی‌نفع اقتصادی قرار ندارند، می‌توانند وظیفه مهم جبران سرکوب نظرات انتقادی به وسیله مطبوعات، احزاب سیاسی و حکومت را ایفا نمایند(۲۰). در کشورمان، بر اساس تازه‌ترین آمار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، جمعیت دانشجوی کشور به ۳ میلیون و ۶۱۶ هزار و ۱۱۴ نفر رسیده است که از این تعداد استان آذربایجان شرقی با ۲۱۰ هزار نفر دانشجو در رتبه ششم کشور قرار دارد. دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان شرقی با ۲۳ واحد و ۱۲ مرکز دانشگاهی، ۱۴ آموزشکده سما پذیرای تعداد ۵۳ هزار دانشجو در ۲۱۷۰ رشته محل می‌باشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۲۰۱۰۰ هزار دانشجو و ۱۲۰۰ نفر هیات علمی یکی از دانشگاه‌های معتبر استان آذربایجان شرقی و شمالغرب کشور به شمار می‌رود. این دانشگاه یکی از معتبرترین دانشگاه‌های ایران و در رده‌بندی‌های جهانی دانشگاهی جزء سه دانشگاه آزاد برتر ایران شناخته شده و قرار دارد. بر اساس مطالب فوق و هم‌چنین نظر به ظرفیت بیش از ۲۰ هزار نفری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بر آن شدیم تا به مطالعه و بررسی میزان گرایش دانشجویان آن دانشگاه به دموکراسی و عوامل اجتماعی مرتبط به آن بپردازیم. با توجه به نقش موثر و کلیدی دانشگاه و دانشجویان در تحولات سیاسی جامعه و فراز و نشیب‌هایی که در دهه اخیر در میزان گرایش دانشجویان و مشارکت آن‌ها در این تحولات به وجود آمده است، شناسایی و تعیین عوامل موثر بر میزان گرایش دانشجویان به دموکراسی و مشارکت آن‌ها در امور سیاسی کشور به عنوان یکی از مهم‌ترین قشرهای تاثیرگذار بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه حائز اهمیت فراوانی می‌باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه عوامل

اجتماعی مرتبط با میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به دموکراسی می‌باشد و قصد دارد به دو سؤال اصلی در زمینه گرایش به دموکراسی پاسخ دهد:

۱. میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز چقدر است؟
۲. آیا بین گرایش به دموکراسی و میزان دین‌داری در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز رابطه وجود دارد؟
۳. آیا بین گرایش به دموکراسی و نوع خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز تفاوت وجود دارد؟

نظریه‌های دموکراسی

در دموکراسی فرض بر این است که مردم نه به حکم ترس و اجبار، بلکه از روی رضایت از حکومت پیروی می‌کنند و ساز و کارهایی برای تضمین این رضایت وجود دارد (۵).

- دموکراسی نظامی است مبتنی بر آراء و افکار عمومی که حکومت پیوسته باید در مقابل مردم احساس مسئولیت کند.

- حکومت باید منشا دموکراتیک خود را تجدید کند.

- مشارکت فعالانه و همگانی شهروندان در عرصه سیاست و زندگی مدنی را تامین کند.

- از حقوق انسانی همه شهروندان پاسداری کند.

- حکومت، قانون و اعمال بی‌طرفانه قوانین و فرایندهای آن را در قبال شهروندان به طور برابر تضمین کند.

- دموکراسی نظامی مبتنی بر قانون است نه حکومت فرد. این وجه از دموکراسی، یعنی حکومت قانون، به حقوق شهروندی و تداوم نظم اجتماعی منجر می‌شود و علاوه بر این، حد و حدود حکومت را معین می‌سازد.

- ضرورت وجود فرهنگ دموکراتیک نیز لازمه استقرار و تداوم دموکراسی است. از آن جا که دموکراسی آفریده انسان‌های دموکراتیک است، تنها هنگامی تحقق‌پذیر است که از پایگاه گسترده در میان مردم برخوردار باشد (۱۱).

توماس اکویناس

او معتقد بود اگر چه انسان‌ها مخلوقات معقولی هستند، اما برای هدایت رفتار اجتماعی نمی‌توانند فقط به عقل متکی باشند. انسان تنها و منزوی ممکن است بنا به عقل خود بر خود حکم براند، اما وقتی وارد جامعه شود همیشه به طور معقول عمل می‌کند. همیشه انسان‌ها فقط در پیشگاه خداوند برابرند اما در داشتن استعداد برای عقل برابر نیستند. او می‌گفت تعیین نظام حکومت با مردم است و بهترین حکومت،

پادشاهی محدود یا ترکیبی از پادشاهی آریستوکرات‌ها می‌باشد. اکویناس معتقد است که به همه مردم، سهمی در حکومت داده شود و اقتدار فرمانروایان باید محدود یا معتدل باشد (۲).

نیکولاس ماکیاولی

ماکیاولی به طور کلی بر این عقیده بود که فقط یک حکومت آزاد در اوضاع و احوال سیاسی موجود اگر غیر ممکن نباشد بسیار دشوار است. لذا نیاز به وجود مستبدی کاردان بود تا نظم و هماهنگی را به وجود آورد. دولت آزاد به دولت عمیقاً توسعه‌طلب وابسته است که شرایط موجودیت خویش را تامین نماید. دولت خوب در درجه اول و بیش از هر چیز دولتی برخوردار از امنیت و باثبات است. به عبارت دیگر ماکیاولی بیشتر به مشارکت سیاسی در امور عمومی در مفهوم گسترده آن اعتقاد داشت تا مداخله ساده ثروت‌مندان و یا اشراف (۱۹).

کارل مارکس

به نظر مارکس جامعه سرمایه‌داری به شدت طبقاتی و طبق تحلیل او بهره‌کشی، ویژگی اصلی و لازمه چنین نظامی است. تا زمانی که نظام سرمایه‌داری وجود دارد دولت ناچار ابزار قهری است در دست نیروهایی که سعی دارند قدرت را برای استثمار طبقات دیگر مورد استفاده قرار بگیرند. مارکس معتقد بود برای براندازی نظام طبقاتی و آزادی بشر باید طبقه استثمار شده دارای آگاهی سیاسی باشند. مارکس اصطلاح دیکتاتوری را برای هر دو نظام به کار می‌برد و دیکتاتوری پرولتاریا به جای دیکتاتوری سرمایه‌داری بر مسند قدرت می‌نشیند و تا زمان تبدیل جامعه سرمایه‌داری به سوسیالیستی بر این مسند خواهد ماند. مارکس این دوره حاکمیت پرولتاری را دموکراسی می‌نامد. مارکس در سال ۱۸۴۸ در مانفیسٲ کمونیست نوشت: «نخستین گام در انقلابی‌گری، ارتقاء پرولتاریا به موقعیت طبقه حاکم برای پیروزی در نبرد دموکراسی است. دموکراسی برای مارکس حاکمیت طبقاتی است با این تفاوت که نیت اصلی چنین حاکمیتی ایجاد جامعه بدون طبقه و در نتیجه خاتمه دادن به عصر حاکمیت طبقاتی است. هدف آن انسانی کردن شرایط زندگی افراد بشر است» (۲۸).

بیر بوردیو

گرایش به دموکراسی طبق چارچوب تئوریک بوردیو مانند سایر گرایش‌های فرد به مثابه بخشی از منش افراد و متأثر از جایگاه آنان در فضای اجتماعی تبیین می‌شود. از نظر بوردیو انسان‌ها همواره در فضای اجتماعی چند بعدی قرار دارند که عمدتاً بر مبنای موقعیت و طبقه اجتماعی‌شان تعریف شده است. اما طبقه اجتماعی که بوردیو در نظر دارد صرفاً مبنای مارکسیستی ندارد، بلکه با دسترسی فرد به منابع گوناگون نظیر شغل، سن، جنسیت، وضعیت تحصیلات، میزان آشنایی و آگاهی از امور فرهنگی تعریف

می‌شود. طبقات با ساختار روابط میان همه این خصوصیات ذی‌ربط و نه فقط با تاکید بر یکی از آنها دسته‌بندی می‌شوند (۷).

گابریل آلموند

آلموند و همکارانش پس از تحقیقات فراوان در چند کشور اروپایی نتیجه گرفتند، آن چه که برای یک نظام سیاسی اهمیت دارد، کارکرد حفظ و نگه‌داری الگوی جامعه یا انتقال ارزش‌ها، هنجارها و ایستارها از نسلی به نسل دیگر است. آلموند نظریه خود را تحت عنوان فرهنگ سیاسی در قالب رویکرد سیستمی مطرح کرد. از نظر او، تمام نظام‌های سیاسی برای ادامه حیات و ثبات خود ناگزیرند، در محیط خود به هشت کارکرد پردازند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. کارکرد جامعه‌پذیری، شامل انتقال فرهنگ سیاسی از نسلی به نسلی دیگر و انتشار فرهنگ جدید سیاسی.
۲. کارکرد گزینش سیاسی، شامل انتخاب و آموزش مدیران.
۳. کارکرد تبیین منافع، شامل شناسایی تقاضاها و انتقال آن‌ها از جامعه به تصمیم‌گیرندگان.
۴. کارکرد تجمع منافع، شامل تصفیه و تثبیت تقاضا به صورت بار قابل اداره روی نظام سیاسی.
۵. کارکرد ارتباطات سیاسی، شامل تبادل پیام‌ها در میان عناصر یک نظام سیاسی و محیط آن (۳۰).

سیدنی وربا

از نظر آلموند و وربا در طول تاریخ در نظام کشورهای جهان سوم نوعی فرهنگ پدید آمده که مانع از پیشرفت و توسعه سیاسی می‌شود. می‌توان با بهره‌گیری از مکانیسم‌هایی چون بالا بردن سطح سواد و توزیع مجدد ثروت به تدریج آثار سوء را از میان برد تا افراد برای پذیرش مسئولیت‌ها و ایفای نقش سیاسی جدید و نیز وارد کردن در فرایند تصمیم‌گیری آماده ساخت (۳۴). از نظر آلموند و وربا سه عامل منابع (شامل پول و مهارت‌های سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه به سیاست و دانش سیاسی) و شبکه عضوگیری (عضویت در سازمان‌های داوطلبانه و محل کار) فعالیت سیاسی را تسهیل می‌کند. هم‌چنین آن‌ها ضمن تاکید به تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی آنان در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی - اجتماعی به مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد تاکید دارند. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که شهروندان تحصیلکرده و ثروتمند و بهره‌مند از مهارت‌های حرفه‌ای بیشتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت‌جویانه باشند. در نتیجه این بررسی‌ها، شهروندان مرفه‌تر در جامعه معمولاً در مقایسه با شهروندان کمتر مرفه در سیاست فعال - ترند (۱۶).

ساموئل هانتینگتون

طبق نظریه هانتینگتون، فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی از دو طریق مجزا می‌تواند به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بیانجامد. یکی از این مجراها، تحرک اجتماعی است. به نظر هانتینگتون، دگرگونی‌های اجتماعی، شهرنشینی، بالا رفتن سطح سواد، آموزش، صنعتی شدن، توسعه وسایل ارتباط جمعی، دامنه آگاهی سیاسی را افزایش می‌دهد و خواسته‌های سیاسی را چند برابر می‌سازد و پهنه اشتراک سیاسی را وسعت می‌سازد (۲۱).

جورج هومنز

یکی از نظریه‌هایی که در جامعه‌شناسی وجود دارد و می‌تواند گرایش به دموکراسی را تبیین کنند نظریه مبادله هومنز است. هومنز معتقد است هر رفتاری که پاداش بیشتری را برای فرد به دنبال داشته باشد یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمالاً وقوعش بیشتر است زیرا فرد از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی پائین‌ترین هزینه‌هاست (۳۵).

پیشینه تحقیق

ذوالفقاری و همکاران (۳۶)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر جایگاه افراد در فضای اجتماعی بر روی گرایش آن‌ها به ارزش‌های دموکراتیک در ارتباط با جوانان ساکن تهران» انجام داده است که نتیجه تحقیقات نشان می‌دهد با بالا رفتن سن و سطح تحصیلات گرایش به ارزش‌های دموکراتیک بیشتر می‌شود. اله‌دادی و همکاران (۳)، در پژوهشی با عنوان «رابطه عوامل اجتماعی- فرهنگی و باورپذیری مردم- سالاری» به این نتیجه رسیدند که بین جنسیت و باورپذیری مردم‌سالاری رابطه معناداری وجود دارد، به طوری که باورپذیری مردم‌سالاری با ساخت خانواده، تقدیرگرایی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و اعتیاد اجتماعی رابطه مستقیم دارد. فاضلی و کلانتری (۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان «ارزش‌های دموکراتیک نسل‌ها» که در شهر ساری انجام گردید، نمونه خود را مشتمل بر سه نسل انتخاب نمودند؛ نسل اول افراد ۹۳-۴۴ سال، نسل دوم افراد ۴۳-۳۳ ساله و نسل سوم افراد پائین ۳۳ سال. پژوهشگران سه ارزش دموکراتیک شامل تساهل و مدارا، آزادی و مشارکت سیاسی را بین این سه نسل سنجیدند و به این نتایج دست یافتند که تمایل به ارزش‌های دموکراتیک در هر سه نسل زیاد است و به این لحاظ می‌توان در فرضیه ثبات ارزش‌های سیاسی نسل‌ها تردید داشت. عبدالهی و دیگری (۱)، در پیمایشی تحت عنوان «هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران» با استفاده از پرسشنامه در بین اعضای شش قوم آذری، بلوچ، عرب، فارس، کرد و لر تحقیقی انجام داده است. نتایج تحقیق حاکی از نگرش مثبت یا نسبتاً مثبت به دموکراسی است. علاوه بر این نتایج حاصل بیانگر تأثیر مثبت و معنادار هویت جمعی بر نگرش به دموکراسی است (۳۷). ایمان و مقدس (۲۳)، در مقاله‌ای با عنوان

عوامل موثر در مشارکت سیاسی جوانان در شیراز دریافته‌اند که کارآیی سیاسی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی، در آمد و شغل، تحصیلات، اعتماد و آگاهی سیاسی، جنسیت و اعتقادات مذهبی از جمله عوامل موثر بر مشارکت هستند. آن‌ها همچنین به این نتیجه رسیدند که جامعه‌پذیری نقش مهمی در مشارکت سیاسی افراد ایفا می‌نماید به علاوه انگیزه جوانان برای مشارکت سیاسی معمولاً نفع شخصی نیست. کاظم‌زاده (۲۴)، در مطالعه‌ای با عنوان بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های شیراز به تبیین پدیده جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان پرداخته است. در این مطالعه پای‌بندی مذهبی به عنوان یکی از متغیرهای موثر بر جامعه‌پذیری محسوب شده است. سید امامی (۳۱)، در پژوهشی تحت عنوان سنجش اشکال و سطوح مشارکت سیاسی دانشجویان و نگرش‌های آنان درباره مشارکت سیاسی در سطح دانشگاه‌های شهر تهران با استفاده از روش پیمایشی و بهره‌گیری از ابزار پرسشنامه و با هدف پاسخ به برخی از سوالات پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، حدود نیمی از دانشجویان به سیاست خیلی یا تا حدودی اظهار علاقه کرده‌اند. رابرت دال (۱۱)، تلاش کرد تا پدیده گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است که اگر میزان اثربخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثربخشی سیاسی پائین باشد، بی‌تفاوتی را به ارمغان می‌آورد. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آن چه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بالعکس. دال بر این باور است که کسی نمی‌تواند تاثیر عقاید و عمل سیاسی خود را بر دیگران انکار کند. به نظر او، در سیاست بر خلاف علوم طبیعی، بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست. بنابراین آشکار است که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متاثر می‌سازند. بررسی‌ها نشان داد که در مورد موضوع تحقیق، هنوز تحقیق جامعه‌شناختی در کشور ما انجام نگرفته است و این بررسی شاید مقدمه‌ای برای تحقیقات آتی باشد.

فرضیه‌های تحقیق

- بین میزان دین‌داری و میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب نوع خانواده متفاوت است.
- بین سن افراد و میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی رابطه وجود دارد.
- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت شغل آنان متفاوت است.
- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت تاهل آنان متفاوت است.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است. روش تحقیق، پیمایش بود. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق اعتبار صوری تامین گردید. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد. میزان آلفا ۰/۷۷ بود. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۱۲ دانشکده دارای ۲۰۱۰۰ هزار دانشجو بود. نمونه آماری، با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۷ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه بود. سهم هریک از دانشکده‌ها، متناسب با تعداد دانشجویان آن دانشکده به نسبت کل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به شرح ذیل می‌باشد:

جدول شماره (۱): آمار دانشجویان به تفکیک دانشکده

ردیف	دانشکده	دختر	پسر	کل	نسبت به کل دانشگاه	تعداد نمونه
۱	ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی	۸۱۳	۴۶۶	۱۲۷۹	٪۶,۳۶	۲۴
۲	پزشکی و پرستاری	۹۵۷	۵۱۹	۱۴۷۶	٪۷,۳۳	۲۸
۳	حقوق و علوم سیاسی	۷۷۳	۱۴۴۳	۲۲۱۶	٪۱۱,۰۲	۴۱
۴	دامپزشکی	۲۳۲	۳۲۱	۵۵۳	٪۲,۷۵	۱۰
۵	دندانپزشکی	۱۰۲	۱۵۷	۲۵۹	٪۱,۲۸	۵
۶	علوم انسانی	۲۳۵۳	۸۸۶	۳۲۳۹	٪۱۶,۱۱	۶۱
۷	علوم پایه	۷۱۰	۳۴۳	۱۰۵۳	٪۵,۲۳	۲۰
۸	فنی و مهندسی	۱۳۱۸	۳۰۵۷	۴۳۷۵	٪۲۱,۷۶	۸۲
۹	مدیریت، اقتصاد و حسابداری	۱۰۸۹	۱۸۹۷	۲۹۸۶	٪۱۴,۸۵	۵۶
۱۰	معماری و هنر	۹۰۷	۷۸۰	۱۶۸۷	٪۸,۳۹	۳۲
۱۱	کشاورزی	۵۰۶	۴۷۱	۹۷۷	٪۴,۸۶	۱۸
۱۲	مجموع	۹۷۶۰	۱۰۳۴۰	۲۰۱۰۰	٪۱۰۰	۳۷۷

تعریف متغیرها

گرایش به دموکراسی

گرایش ارزشیابی‌های مثبت و منفی یا احکام ارزشی مطلوب یا نا مطلوب درباره اشیاء، اشخاص و وقایع است. گرایش‌ها چگونگی احساس هر کسی را نسبت به چیزی نشان می‌دهند. گرایش، حالت بالقوه‌ای از رفتار می‌باشد که فعلیت نیافته و عملی صورت نپذیرفته است لیکن میل و رغبت به این شیوه رفتاری در افراد وجود داشته و در صورت بروز و وجود زمینه مساعد، این میل و رغبت تبدیل به رفتار دموکراتیک خواهد شد. گرایش به دموکراسی طبق چارچوب تئوریک بوردیو مانند سایر گرایش‌های فرد به مثابه بخشی از منش افراد و متاثر از جایگاه آنان در فضای اجتماعی تبیین می‌شود (۷). گرایش به دموکراسی در این تحقیق حاوی دو بعد نگرشی و رفتاری است که بعد نگرشی آن با مؤلفه‌های مدارای سیاسی، اثربخشی سیاسی و مخالفت با نگرش‌های اقتدارگرایی تعریف می‌شود. بعد رفتاری آن با مؤلفه‌های مشارکت سیاسی و اعتراض به اقتدارگرایی تعریف می‌شود. مدارای سیاسی در این پژوهش با

گشودگی افراد نسبت به تکثر عقاید سیاسی و در نظر گرفتن حقوق برابر سیاسی برای گروه‌های سیاسی متفاوت تعریف می‌شود. اقتدارگرایی سیاسی با مؤلفه‌های واگذاری امور به نخبگان، قبول خشونت نسبت به مخالفان و بی‌توجهی به حقوق مدنی فردی تعریف می‌شود و تعریف پژوهش از اثربخشی سیاسی عبارت از تصور فرد از میزان مؤثر بودن مشارکت سیاسی او در امور جامعه است. مشارکت سیاسی هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه در رابطه با انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی جامعه و اثرگذاری بر سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی جامعه تعریف می‌شود و در نهایت آمادگی رفتاری برای مخالفت با اقتدارگرایی با مؤلفه آمادگی برای اعتراض تعریف شده است. در تحقیق حاضر، ارزش‌های دموکراتیک در جامعه در سه بعد آزادی، مدارا و مشارکت لحاظ شده است.

الف) آزادی در ابعاد فردی، گروهی و آزادی رسانه‌ها

ب) مدارا و تساهل در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، جنسیتی، مذهبی و قومی

پ) مشارکت فردی و جمعی

خانواده

خانواده یکی از نهادهای اجتماعی نخستین است که شالوده حیاط اجتماعی محسوب می‌گردد و گذشته از وظیفه فرزندآوری و پرورش کودک و در نتیجه استمرار نسل‌ها و بقاء نوع بشر، وظایف متعدد دیگری از قبیل فعالیت‌های اقتصادی، آموزش و پرورش و اجتماعی کردن فرد را نیز بر عهده دارد. خانواده به عنوان عامل واسطی است که قبل از ارتباط مستقیم فرد با گروه‌ها، سازمان‌ها و موسسات اجتماعی، نقش مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی و میراث‌های فرهنگی به عهده دارد. با توجه به این که خانواده با نظام پایگاهی جامعه در ارتباط است، پایگاه فرد نیز تا حد زیادی متکی بر پایگاه اجتماعی خانواده خواهد بود. از نظر نحوه تربیت کودک و به طور کلی نحوه اداره سیستم خانواده می‌توان سه نوع خانواده را مشخص کرد که عبارتند از: خانواده سختگیر، خانواده آسانگیر و خانواده دموکرات. در این تحقیق این متغیر با استفاده از تقسیم‌بندی مذکور، از طریق گویه‌هایی مورد سنجش قرار گرفته است.

دین‌داری

دین از نظر لنسکی عامل موثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می‌کند. در اسلام دین دارای پنج بعد می‌باشد: عقیده، ایمان، عبادات، اخلاق و شریعت. بر این اساس دین‌داری عبارتست از حرکت در جهت این ابعاد. دین‌داری به معنای داشتن اهتمام دینی است به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد تحت تاثیر آن قرار می‌گیرد. برای سنجش دین‌داری، گویه‌هایی در قالب میزان عبادت فردی و جمعی، عمل به شعائر دینی، مشارکت دینی، انجام تکالیف جمعی و فردی ساخته شد و داده‌های لازم جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها

بر اساس یافته‌های به دست آمده، ۲۰۳ نفر معادل ۵۳/۸ درصد پاسخ دهندگان مرد و ۱۷۴ نفر معادل ۴۶/۲ درصد پاسخ دهندگان زن می‌باشند. ۲۲۱ نفر معادل ۵۸/۸ درصد پاسخ دهندگان مجرد و ۱۵۶ نفر معادل ۴۱/۲ درصد پاسخ دهندگان متأهل می‌باشند. ۲۳۹ نفر معادل ۶۳/۴ درصد پاسخ دهندگان در مقطع کارشناسی، ۱۰۶ نفر معادل ۲۸/۱ درصد پاسخ دهندگان در مقطع کارشناسی ارشد و ۳۲ نفر معادل ۸/۵ درصد از افراد نمونه در مقطع دکتری در حال تحصیل می‌باشند. ۲۷۱ نفر معادل ۷۱/۹ درصد مادران پاسخ دهندگان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۸۴ نفر معادل ۲۲/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم و ۱۹ نفر معادل ۵ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۳ نفر معادل ۰/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد می‌باشند. ۱۶۲ نفر معادل ۴۳ درصد پدران پاسخ دهندگان دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۱۵۲ نفر معادل ۴۰/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم و ۵۷ نفر معادل ۱۵/۱ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۶ نفر معادل ۱/۶ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد، دکتری و حوزوی می‌باشند. ۱۸۶ نفر معادل ۵۰/۲ درصد پاسخ دهندگان شاغل و ۱۹۱ نفر معادل ۵۰/۹ درصد پاسخ دهندگان بیکار می‌باشند.

از نظر پایگاه اجتماعی- اقتصادی، ۲۳ نفر معادل ۶/۱ درصد از پاسخگویان در سطح بسیار پایین، ۱۲۷ نفر معادل ۳۳/۶ درصد در سطح پایین، ۱۴۳ نفر معادل ۳۷/۹ درصد متوسط، ۶۵ نفر معادل ۱۷/۲ درصد در سطح بالا و ۱۹ نفر معادل ۵ درصد از پاسخگویان در سطح بسیار بالا هستند.

با توجه به اطلاعات به دست آمده، از نظر نوع خانواده ۱۳۶ نفر معادل ۳۶ درصد از پاسخگویان دارای خانواده سختگیر، ۹۴ نفر معادل ۲۵ درصد خانواده آسانگیر و ۱۴۷ نفر معادل ۳۹ درصد خانواده دموکرات هستند. ۳۶ درصد از پاسخگویان دارای خانواده دموکرات هستند.

جدول شماره (۲): متغیر نوع خانواده

فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
خانواده سختگیر	۱۳۶	۳۶
خانواده آسانگیر	۹۴	۶۱
خانواده دموکرات	۱۴۷	۱۰۰
کل	۳۷۷	۱۰۰

جدول شماره (۳): آمار توصیفی متغیرهای میزان دین‌داری و گرایش به دموکراسی

تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
میزان دین‌داری	۲/۳	۴/۸	۳/۶۵۵	۰/۵۱۱
گرایش به دموکراسی	۲/۲۹	۴/۷۹	۳/۷۱	۰/۵۱۵

داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۲۲۱ نفر معادل ۵۸/۸ درصد پاسخ دهندگان مجرد و ۱۵۶ نفر معادل ۴۱/۲ درصد پاسخ دهندگان متأهل می‌باشند.

جدول شماره (۴): متغیر وضع تاهل			
فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی	
۲۲۱	۵۸/۸	۵۸/۸	مجرد
۱۵۶	۴۱/۲	۱۰۰	متاهل
۳۷۷	۱۰۰		کل

داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد ۱۸۶ نفر معادل ۵۰/۲ درصد پاسخ دهندگان شاغل و ۱۹۱ نفر معادل ۵۰/۹ درصد پاسخ دهندگان بیکار می‌باشند.

جدول شماره (۵): متغیر وضعیت شغل			
فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی	
۱۸۶	۵۰/۲	۵۰/۲	شاغل
۱۹۱	۵۰/۹	۱۰۰	بیکار
۳۷۷	۱۰۰		کل

- بین میزان دین‌داری و میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش به دموکراسی و دین‌داری ۰/۶۵۵ می‌باشد که نشان دهنده یک رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد. چون $0/025$ (خطای نوع اول) بیشتر از معنی‌داری (p_value) است، فرض صفر مبنی بر عدم رابطه خطی بین گرایش به دموکراسی و دین‌داری رد می‌شود، هر چقدر میزان دین‌داری در بین دانشجویان بیشتر باشد، میزان گرایش به دموکراسی در بین آن‌ها بیشتر می‌باشد.

جدول شماره (۶): آزمون ضریب همبستگی پیرسون		
دین‌داری		
۰/۶۵۵	ضریب همبستگی پیرسون	
۰/۰۰۱	معناداری آزمون	گرایش به دموکراسی
۳۷۷	تعداد	

- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب نوع خانواده متفاوت است.

با توجه به اطلاعات به دست آمده، چون $0/025$ (خطای نوع اول) از معنی‌داری ($0/006$) بیشتر است، فرض صفر مبنی بر یکسان بودن میانگین گرایش به دموکراسی بر اساس نوع خانواده رد می‌شود. بنابراین میانگین متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس نوع خانواده متفاوت است.

معنی‌داری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
$0/006$	$4/371$	$1/245$	۲	$2/49$	بین گروهی
		$0/261$	374	$97/588$	درون گروهی
		-	376	$100/078$	کل

نوع خانواده	اختلاف میانگین‌ها	انحراف استاندارد	معنی‌داری	بازه اطمینان در سطح 95%
خانواده سختگیر	$-0/823$	$0/0614$	$0/000$	کرانه بالا $-0/944$ کرانه پایین $-1/549$
خانواده آسانگیر	$0/823$	$0/0614$	$0/000$	$0/702$ $0/944$
خانواده دموکرات	$-0/600$	$0/0351$	$0/000$	$0/6696$ $-0/531$
خانواده دموکرات	$1/424$	$0/0635$	$0/000$	$1/299$ $1/549$
خانواده آسان گیر	$0/600$	$0/0351$	$0/000$	$0/531$ $0/669$

در جدول بالا آزمون LSD برای مقایسه میانگین متغیر گرایش به دموکراسی بین سه نوع خانواده (خانواده سختگیر، خانواده آسانگیر و خانواده دموکرات) آورده شده است. با توجه به نتایج، فرض صفر مبنی بر یکسان بودن میانگین گرایش به دموکراسی بین دو گروه خانواده سختگیر با خانواده آسانگیر و خانواده دموکرات رد می‌شود، یعنی میانگین گرایش به دموکراسی میان گروه خانواده سختگیر با خانواده آسانگیر و خانواده دموکرات متفاوت می‌باشد. در ردیف دوم آزمون مقایسه میانگین متغیر گرایش به دموکراسی میان گروه خانواده آسانگیر با خانواده سختگیر و خانواده دموکرات آورده شده است، میانگین متغیر گرایش به دموکراسی گروه خانواده آسانگیر با خانواده دموکرات و سختگیر متفاوت است. در ردیف سوم نیز آزمون مقایسه میانگین متغیر گرایش به دموکراسی با خانواده سختگیر و خانواده آسانگیر آورده شده است. فرض صفر مبنی بر یکسان بودن متغیر گرایش به دموکراسی میان خانواده دموکرات با خانواده سختگیر و خانواده آسانگیر رد می‌شود، به عبارتی میانگین گرایش به دموکراسی در بین دو گروه خانواده دموکرات و خانواده سختگیر و نیز دو گروه خانواده دموکرات و آسانگیر متفاوت می‌باشد.

- بین سن و میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی رابطه وجود دارد.

با توجه به اطلاعات به دست آمده، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش به دموکراسی و سن ۰/۰۰۶ می باشد که نشان دهنده ضعیف و مثبت می باشد. چون ۰/۰۲۵ (خطای نوع اول) کمتر از معنی داری (p_value) است پس میزان گرایش به دموکراسی با متغیر سن ارتباط خطی ندارد.

جدول شماره (۹): آزمون ضریب همبستگی پیرسون

سن	
۰/۰۰۶	ضریب همبستگی پیرسون
۰/۹۱۳	معناداری آزمون
۳۷۷	تعداد

- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت تاهل آنان متفاوت است.

در جدول زیر نخست آماره های توصیفی متغیر گرایش به دموکراسی در بین دو گروه مجرد و متأهل آورده شده است. در جدول دوم آزمون لون برای بررسی یکسان بودن واریانس متغیر گرایش به دموکراسی برای دو رده متأهل و مجرد آورده شده است. با عنایت به این که ۰/۰۲۵ (خطای نوع اول) کمتر از معنی داری که ۰/۳۸۲ است، می باشد دلیلی برای رد فرض صفر مبنی بر یکسان بودن واریانس گرایش به دموکراسی برای دو گروه متأهل و مجرد وجود ندارد. با توجه به این که در هر دو حالت (با فرض برابری واریانس و عدم برابری واریانس) ۰/۰۲۵ (خطای نوع اول) بیشتر از معنی داری برای هر دو حالت است، فرض تحقیق مبنی بر یکسان بودن میانگین متغیر گرایش به دموکراسی برای دو گروه مجرد و متأهل بر اساس این نمونه پذیرفته می شود، به عبارت دیگر گرایش به دموکراسی برای دو گروه مجرد و متأهل متفاوت می باشد. میزان گرایش به دموکراسی در بین دانشجویان مجرد اندکی بیش از دانشجویان متأهل است.

جدول شماره (۱۰): آماره های توصیفی متغیر گرایش به

دموکراسی بر اساس وضعیت تاهل

تاهل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
مجرد	۲۱۹	۳/۷۸	۰/۵۱	۰/۳۴
متاهل	۱۵۵	۳/۶۵	۰/۵۲	۰/۴۳

جدول شماره (۱۱): آزمون تی استیودنت							
بازه اطمینان ۹۵ درصدی برای اختلاف میانگین‌ها	معنی‌داری	درجه آزادی	آماره تی	آزمون لون			
				F	معنی‌داری		
۰/۰۲۳۳۶۵	۰/۰۲۴۵۱	۰/۰۱۶	۳۷۲	۲/۴۲	۰/۳۸۲	۰/۷۶۶	با فرض برابری واریانس
۰/۰۲۳۳۷۵	۰/۰۲۳۴۷	۰/۰۱۷	۳۲۰/۴۸	۲/۳۹			با فرض عدم برابری واریانس

- میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز به دموکراسی بر حسب وضعیت شغل آنان متفاوت است.

در جدول (۱۳) آزمون تی مستقل برای مقایسه میانگین متغیر گرایش به دموکراسی بین دو گروه شاغل و بیکار آورده شده است. با توجه به نتایج، فرض صفر مبنی بر یکسان بودن میانگین گرایش به دموکراسی میان دو گروه شاغل و غیر شاغل رد می‌شود. به عبارتی گرایش به دموکراسی در بین دو گروه شاغل و بیکار یکسان است.

جدول شماره (۱۲): آماره‌های توصیفی متغیر گرایش به دموکراسی بر اساس وضعیت شغلی				
وضع شغل	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد
شاغل	۱۵۳	۳/۶۳۷	۰/۵۲۸	۰/۰۴۲۶
غیر شاغل	۲۲۴	۳/۷۷۲	۰/۵۰۱	۰/۰۳۳۴۹

جدول شماره (۱۳): آزمون تی استیودنت							
بازه اطمینان ۹۵ درصدی برای اختلاف میانگین‌ها	معنی‌داری	درجه آزادی	آماره تی	آزمون لون			
				F	معنی‌داری		
۰/۰۲۳۳۶۵	۰/۰۲۴۵۱	۰/۰۱۶	۳۷۲	۲/۴۲	۰/۳۸۲	۰/۷۶۶	با فرض برابری واریانس
۰/۰۲۳۳۷۵	۰/۰۲۳۴۷	۰/۰۱۷	۳۲۰/۴۸	۲/۳۹			با فرض عدم برابری واریانس

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، تعیین رابطه برخی عوامل اجتماعی و فردی مرتبط با میزان گرایش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز به دموکراسی بود. نوع پژوهش کاربردی، روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق اعتبار صوری و پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ تعیین شد. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز با ۱۲ دانشکده و دارای ۲۰۱۰۰ هزار دانشجو بود. حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران

۳۷۷ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری، روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه بود. با توجه به اطلاعات به دست آمده، ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر گرایش به دموکراسی و دین‌داری ۰/۶۵ بود که نشان دهنده یک رابطه مستقیم و مثبت می‌باشد. بر اساس نظریه لوسین پای در جریان جامعه-پذیری سیاسی چند عامل مهم و اساسی دخالت دارند که از جمله می‌توان دین را نام برد. هم‌چنین با توجه به نتیجه آزمون، فرض تحقیق مبنی بر یکسان بودن میانگین گرایش به دموکراسی بر اساس نوع خانواده پذیرفته شد. گرایش به دموکراسی بر اساس نوع خانواده متفاوت بود. در سراسر تاریخ بشر، خانواده همواره مهم‌ترین و عامل اصلی اجتماعی کردن اولیه فرزندان بوده است. خانواده برای یک دوره زمانی نسبتاً طولانی، تنها گروهی است که با کودک تماس گسترده‌ای دارد. به همین دلیل، خانواده نقش عمده‌ای در شکل‌گیری رویکردها، ارزش‌ها و باورداشتهای فرزندان بر عهده دارد. در تبیین یافته‌های این بررسی باید گفت، گرایش به دموکراسی طبق نظریه بورديو مانند سایر گرایش‌های فرد به مثابه بخشی از منش افراد و متاثر از جایگاه آنان در فضای اجتماعی تبیین می‌شود. انسان‌ها همواره در فضای اجتماعی چند بعدی قرار دارند که عمدتاً بر مبنای موقعیت و طبقه اجتماعی‌شان تعریف شده است. هم‌چنین به نظر هومنز، هر رفتاری که پاداش بیشتری را برای فرد به دنبال داشته باشد یا آن فرد معتقد باشد که چنین پاداشی در انتظار اوست، احتمالاً وقوع آن بیشتر است، زیرا فرد از یک سو در جستجوی حداکثر سود یا بالاترین پاداش و از سوی دیگر در پی پائین‌ترین هزینه‌هاست. بنابراین گرایش سیاسی افراد و دانشجویان به کسب حداکثر سود (پاداش) و کمترین هزینه (مجازات) بستگی دارد.

پیشنادهای کاربردی

- فراهم نمودن بسترهایی برای خلق و گسترش سازمان‌های مدنی و مردم نهاد به منظور مشارکت دانشجویان در فعالیتهای جمعی و اجتماعی در جامعه.
- توجه به خواست و سلیقه‌های سیاسی اقشار مختلف جامعه به ویژه قشر دانشجویی و کاهش محدودیت در تاسیس و فعالیت احزاب سیاسی در جامعه و فعالیتهای سیاسی در دانشگاه.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abdollahi, Mohammad. (2006). Collective Identity and Attitudes Toward Democracy in Iran, *Iranian Journal of Sociology*, No. 4, P.p: 3-27
2. Alam, Abdolrahman. (2006). *Foundations of Political Science*, Tehran: Ney Publishing
3. Allah Dadi, Nur al-Din; Saadat Mehr, Massoud. (2010). The relationship between socio-cultural factors and the credibility of democracy. *Social Welfare Quarterly*, No. 43, P.p: 831-891.
4. Almond, Gabriel A. & Verba, Sidney. (1963). *The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations*, Princeton University Press, USA.
5. Bashirieh, Hossein. (2003). *Teaching Political Science*, Third Edition, Tehran, Negah Moaser Publications.
6. Bashirieh, Hossein. (2005). *Lessons of Democracy for All*, Tehran, Negah Moaser Publications.
7. Bourdieu, Pierre. (2002). *Theory of action, practical reasons and rational choice*, translated by Morteza Marvi, Tehran, Naghsh-o-Negar Publications.
8. Bourdieu, Pierre. (2005). *Forms of Capital in Social Capital*, translated by Khakbaz and Pouyan, Second Edition, Tehran, Shirazeh Publishing.
9. Bourdiou, Pierre. (1984). *Distinction: A Social Critique of Judgement of Taste*, Cambridge.
10. Bukharaei, Ahmad. (2002). *Democracy and Enemies in Iran*, Tehran, Gam No Publications.
11. Dahl, Robert. (2010). *On Democracy*, translated by Firooz Salarian, Tehran, Cheshmeh Publishing.
12. Dahl, Robert A. (1382). *Polyarshy; PartiCipation and Opposition*, London: UniversityPress.
13. Emami, Seyed Kavous and Montazeri Moghadam, Reza. (2012). The Role of Trust Culture and the Performance of Political Institutions in Building Political Trust: A Survey of Tehran University Students, *Journal of Political Science*, No. 28
14. Fazeli, Mohammad and Kalantari, Mitra. (2012). The Democratic Values of Generations, *Iranian Journal of Sociology*, Volume 13, Number 1 and 2, P.p: 84-108.
15. Fazeli, Mohammad; Kalantari, Mitra. (2012). Democratic values of generations. *Iranian Journal of Sociology*. Volume 13, Number 1 and 2, P.p: 13-33.
16. Ghaffari, Gholamreza and Niazi, Mohsen. (2007). *Sociology of Participation*, First Edition, Close Publication.
17. Habermas, Jurgan. (2001). *Three Normative Models of Democracy*, *Theorise of Democracy*, Terchek, Oxford.
18. Habermas, Jürgen. (2005). *Structural Transformation of the Public Sphere, An Exploration of Bourgeois Society*, translated by Jamal Mohammadi, Tehran: Afkar Publishing.
19. Hell De, David. (1999). *Models of Democracy*, translated by Abbas Mokhber, Tehran: Women's Studies Publications.
20. Hulab, Robert. (2004). *Jürgen Habermas, A Critique in the Public Sphere*, translated by Hossein Bashariyeh, third edition, Tehran: Ney Publishing.
21. Huntington, Samuel. (1991). *Political order in societies undergoing change*, translated by Mohsen Thalasi, Tehran, Alam Publishing.
22. Huntington, Samuel. (2000). *Understanding Political Development*, Institute for Strategic Studies Publications, First Edition.

23. Iman, Mohammad Taghi and Moghaddas, Ali Asghar. (2002). A Study of Factors Affecting the Political Participation of Study Youth in Shiraz, *Journal of Mashhad Faculty of Literature and Humanities*, Volume 35, Number 3 and 4, Year 35.
24. Kazemzadeh, Hassan. (2003). Sociological study of factors affecting the political socialization of Shiraz students, Master Thesis, Faculty of Social Sciences, Shiraz University.
25. Khajeh Sarvi, Gholamreza. (1999). Political Socialization in the Young Generation, *Quarterly Journal of Strategic Studies*, Nos. 5 and 6, Fall and Winter 1999.
26. Khajeh Sarvi, Gholamreza. (2015). Factors Affecting the Political Socialization of Iranian Public University Students ", *Institute of Humanities and Cultural Studies*, Year 6, Issue 4.
27. Mannheim, Carl. (2006). *The Democratization of Culture*, translated by Parviz Jalaei, Second Edition, Tehran: Ney Publishing.
28. McPherson, CB. (2004). *The Three Faces of Democracy*, translated by Majid Madadi, Tehran: Another publication.
29. Rush, Michael. (2009). *Society and Politics*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samat Publishing, eighth edition.
30. Sabzipour, Hamed. (2008). Political Socialization, *Social Sciences Development Monthly*, Volume 11, Number 4, Summer.
31. Saiedemami, Eftekhari and Abdullah. (2006). Values, Attitudes and Political Behavior of Youth, Research Project Report, National Youth Organization.
32. Seidman, Steven. (2007). *Conflict of Opinions in Sociology*, translated by Hadi Jalili, Second Edition, Tehran: Nashr-e Ney.
33. Seifzadeh, Hossein. (1994). Passive participation and the reasons for its continuation, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, No. 31, December.
34. Seifzadeh, Hossein. (1995). Transformation from Passive Participation to Active Participation, *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, University of Tehran, Fourth Year, No. 5.
35. Tavassoli, Gholamabbas. (2007). *Sociological Theories*, Tehran, Samat Publications.
36. Zolfaghari, Abolfazl. (2008). The effect of the position of individuals on their tendency to the values of democracy, *Social Research Quarterly*, No. 5, Volume 2.
37. Zolfaghari, Abolfazl. (2009). The relationship between different types of religiosity and attitudes toward democratic values among students. Ph. D. Thesis in Sociology. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University.